## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc429181158)

[خطبه اول 2](#_Toc429181159)

[بخش اول خطبه یک نهج‌البلاغه 2](#_Toc429181160)

[بخش دوم خطبه یک نهج‌البلاغه 2](#_Toc429181161)

[تفسیر ابن ابی الحدید پیرامون خطبه اول نهج‌البلاغه 3](#_Toc429181162)

[درجات شناخت پدیده‌ها و موجودات عالم 3](#_Toc429181163)

[شناخت نسبت به خدا 4](#_Toc429181164)

[درجات شناخت خداوند 4](#_Toc429181165)

[تفسیر علامه شوشتری پیرامون خطبه اول نهج‌البلاغه 5](#_Toc429181166)

[خطبه دوم 5](#_Toc429181167)

[یاد شهدای هفتم تیر 6](#_Toc429181168)

[آسیب‌شناسی در یک جامعه 6](#_Toc429181169)

[انواع آسیب‌ها و خطرها در جامعه 7](#_Toc429181170)

[اعتیاد، یکی از مهم‌ترین آفت‌های جامعه 7](#_Toc429181171)

[آثار مخرب مواد مخدر در کشور 8](#_Toc429181172)

[عوامل ابتلای به مواد مخدر 8](#_Toc429181173)

[وظایف ما در برابر آسیب اعتیاد 8](#_Toc429181174)

[نقش خانواده‌ها در برابر آسیب‌های اجتماعی 9](#_Toc429181175)

[روز قوه قضائیه 10](#_Toc429181176)

## خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم**«أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## بخش اول خطبه یک نهج‌البلاغه

در آغاز خطبه حمد و ثنای خداوند و عجز و ناتوانی انسان مطرح شده است و حضرت فرمودند: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که سخنوران از مدح و ثنای او عاجزند و شمارشگران عالم از شمارش نعمت‌های او ناتوان و عبادت‌کنندگان از ادای حق و شکر او قاصر هستند، خداوندی که اراده‌ها و همت‌های بلند از دسترسی او ناتوان هستند و عقل‌ها و استعدادهای عمیق از شناخت او وامی‌مانند، خداوندی که وجود او حد و مرزی ندارد و فرجام و آغازی وجود او را محدود نمی‌کند، خداوندی که عالم را با قدرت خودش از کتم عدم آفرید و بادهای رحمت را برای زندگی سالم بشر به وزش درآورد و خدایی که با کوه‌های بزرگ زمین را آرامش بخشید.»

## بخش دوم خطبه یک نهج‌البلاغه

بعد از آ مقدمه حمد و ثنا مولا امیرالمؤمنین وارد شناخت خدا و ارتباط ما با خدا شدند و به مهم‌ترین مسئله که مسئله خدا و توحید و درجات ارتباط ما با خدا است پرداختند. ایشان فرمودند: **«****أوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ** **وَ کمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ بِهِ وَ کمَالُ التَّصْدِیقِ بِهِ تَوْحِیدُهُ وَ** **کمَالُ تَوْحِیدِهِ الْإِخْلاصُ لَهُ** **وَ کمَالُ الْإِخْلاصِ لَهُ نَفْی الصِّفَاتِ عَنْهُ»[[3]](#footnote-3)** این پنج فراز به درجات توحید و معرفت خدا اشاره دارد، در شرح این پنج جمله دو نظریه در شرح‌ها و تفاسیر نهج‌البلاغه آمده است.

## تفسیر ابن ابی الحدید پیرامون خطبه اول نهج‌البلاغه

در یک نظریه این پنج جمله را اشاره‌ای می‌گیرد به درجات معرفت خدا و اعتقادی که باید به خدا داشت، پس نظریه اول در شرح این پنج جمله مولا از ابن ابی الحدید شارح نهج‌البلاغه است که ایشان می‌فرماید این پنج جمله درجه شناخت ما به خدا را بیان می‌کند منتها شناخت ما نسبت به خدا در یک درجه نیست.

عمده‌ترین چیزها برای انسان مؤمن معرفت و شناخت خدا است، این پایه همه فضائل و کمالات و ارزش‌های روحی و انسانی است و اساس همه چیزهای دیگر در همین شناخت تحقق دارد، اگر این نظریه را بپذیریم باید این پنج جمله را این‌طور معنا بکنیم که به‌مراتب شناخت ما نسبت به خدا اشاره دارد، **«أوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ»**، قدم اول این است که نسبت به خداوند یک شناخت اولیه و اجمالی داشته باشیم، شناخت خداوند مثل شناخت هر پدیده‌ای دارای درجات و مراتب است.

## درجات شناخت پدیده‌ها و موجودات عالم

 ما ممکن است که بگوییم مثلاً آب را می‌شناسیم اما شناخت آب در یک درجه نیست، عموم مردم آب را با خواصی که دارد می‌شناسند اینکه خاصیت رفع تشنگی دارد این یک شناخت اولیه است.

ممکن است کسی از درجه اول شناخت یک مقدار جلوتر برود، مثلاً آب را به عنوان چیزی که به‌واسطه آن گیاهان می‌رویند بشناسد، ممکن است کسی معرفتش از این هم بیشتر باشد، آب را به عنوان پدیده‌ای که از دریاها ناشی می‌شود و به‌واسطه تابش خورشید به ابر مبدل می‌شود و به‌واسطه جریان ابر بارش باران تحقق پیدا می‌کند، این یک معرفت بهتری از آب است و ممکن است کسی از این هم جلوتر برود و فرمول تشکیل آب آن‌طور که یک فیزیکدان قوی می‌تواند معرفت پیدا بکند را بفهمد.

بنابراین از آن شناخت اولیه آب که یک کودک دارد تا آن شناخت بسیار پیشرفته همه شناخت آب است اما آن شناخت اولیه یک شناخت خیلی بسیط، ساده و ابتدایی است، آب تشنگی را رفع می‌کند اما می‌شود قدم‌به‌قدم در شناخت آن جلو رفت و بر معرفتمان نسبت به آب به عنوان یک پدیده طبیعی بیفزاییم، به این کار درجات شناخت ما نسبت به یک چیز می‌گویند.

در همه امور هم همین‌طور است، ما یک شناخت اولیه و معرفت‌های خیلی ساده داریم تا جلو برویم و معرفت‌های عمیق و پیچیده و علمی نسبت به یک پدیده پیدا بکنیم، کار علم هم در فنون مختلف این است که شناخت‌های اولیه و ساده ما را به شناخت‌های والاتر و پیچیده‌تر مبدل می‌کند، شناخت اولیه ما از ستاره‌ها همان شناختی است که شب‌هنگام اجرام نورانی را بالای سر خود می‌بینیم اما یک شناخت خیلی ساده و بسیط است، و همان‌طور که علم قدم‌به‌قدم دست ما را می‌گیرد و در مدارج کشف قوانین حاکم بر کهکشان‌ها و ستارگان پیش می‌برد بر درجات شناخت ما نسبت به آسمان افزوده می‌شود و هر چقدر هم علم جلو می‌رود می‌فهمیم که هنوز هم معرفت ما کم بوده است.

مثال دیگر شناخت یک انسان است، شما ممکن است از یک فردی که دانشمند است و در علومی دارای تخصص است یک شناخت اولیه‌ای داشته باشید، گاهی اگر در یک جلسه‌ای پای حرف‌های او نشستید معرفتتان نسبت به او یک مقدار بیشتر می‌شود و بعد قدم‌به‌قدم جلو می‌روید و می‌فهمید که او یک دانشمند بسیار عظیم‌الشأن است، این درجات معرفت است.

## شناخت نسبت به خدا

امام علی (ع) بعد از حمد و ثنای خداوند می‌فرمایند که معرفت خداوند درجات دارد، اصل دین و قوام تدیّن و ستون فقرات اسلام خداشناسی است اما این خداشناسی مانند آب‌شناسی، کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی دارای مدارج متفاوت است البته به‌مراتب بالاتر از آن‌ها است و اصل درجات ایمان انسان و تدیّن آن‌ها درجات خداشناسی است که انسان پیدا می‌کند، ما باید تلاش بکنیم که در درجات خداشناسی صعود پیدا بکنیم تا ارزش ما افزوده بشود.

در قرآن کریم، در نهج‌البلاغه و در احادیث و روایات به درجات خداشناسی به بیان‌های مختلف اشاره شده است، این پنج جمله خطبه اول نهج‌البلاغه از دیدگاه ابن ابی الحدید اشاره‌ای به پنج درجه از معرفت خدا است.

## درجات شناخت خداوند

درجه اول شناخت خدا است به عنوان اینکه این عالم بدون خالق نیست و دستی فراتر از این عالم این جهان شگفت‌آور را آفریده و اداره می‌کند، این مانند شناخت اولیه آب، کهکشان و سایر پدیده‌ها است.

درجه دوم «**وَ کمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ بِهِ»** کمال معرفت خدا تصدیق به وجود خدا است منتها تصدیق به اینکه خداوند موجود واجبی است که متفاوت از همه موجودات دیگر است، چیزی فراتر از موجودات عادی و مادی است، او موجودی واجب‌الوجود و فوق موجودات فقیر و نیازمند عالم است.

درجه سوم **«وَ کمَالُ التَّصْدِیقِ بِهِ تَوْحِیدُهُ»**، کمال تصدیق و باور به خدای حاکم بر این عالم این است که توحید او را بپذیریم و شناخت به وحدانیت او پیدا بکنیم، در مرتبه اول و دوم مرز ما از کسانی که خدا را قبول ندارند یا خدا را مثل موجودات این عالم می‌دانند جدا می‌شود، اما در درجه سوم شناخت خدا مرز ما از کسانی که معتقد به وحدانیت خدا نیستند جدا می‌شود، یعنی باید بپذیریم که خدایی است، خدا فوق موجودات عالم است و آن خدا یگانه است. بپذیریم که آن دست غیبی که این عالم را برپا کرد و اداره می‌کند یک موجود است و در کمال قدرت و عظمت این عالم را اداره می‌کند.

معتقد به آن نباشیم که معاذ الله بر عالم دو خدا حاکم است، خدای خیر و خدای شر، یا به آن اعتقاد انحرافی در مسیحیت که سه خدا وجود دارد، بلکه باید معتقد به وحدانیت خدا بشویم.

درجه چهارم **«کمَالُ تَوْحِیدِهِ الْإِخْلاصُ لَهُ»**، حالا که به وحدانیت خدا هم معتقد شدید خدا را منزه بدانید، این اخلاص آن امر اخلاقی نیست، اخلاص معنای اخلاص در عبادت نیست بلکه اخلاص در اعتقاد است، یعنی اعتقاد به آن داشته باشیم که خدا از جسم بودن و از عیب‌ها و نقص‌ها منزه است.

درجه پنجم **«وَ کمَالُ الْإِخْلاصِ لَهُ نَفْی الصِّفَاتِ عَنْهُ**»، کمال اخلاص خدا و پاک کردن خدا از عیوب و نقص‌ها و ضعف‌ها این است که برای خدا و در ذات خدا قائل به ترکیب نباشیم، خدا این‌طور نیست که خودش یک چیز باشد و علم و قدرتش یک چیز اضافه بر ذاتش باشد، آن‌طور که در انسان‌ها است، ما به دلیل ضعف و محدودیت خودمان یک موجودی هستیم که علمی نداریم بعد علم پیدا می‌کنیم و بعد این علم از ما گرفته می‌شود، در موجودات عالم صفات و کمال یک چیزهای زائد و عاریه‌ای است، اما در خدا این اضافه و عاریت وجود ندارد، در خدا همه قدرت‌ها، عزت‌ها، علم‌ها و کمالات جمع است اما نه اینکه چیزی زائد و عاریتی باشد، همه این‌ها عین ذات او است و اوج کمالات در وجود او جمع است.

## تفسیر علامه شوشتری پیرامون خطبه اول نهج‌البلاغه

در نقطه مقابل این تفسیری که ابن ابی الحدید از این پنج جمله خطبه اول نهج‌البلاغه انجام داده است یک دیدگاه دیگری است که این‌ها را فقط شناخت در نظر نمی‌گیرد که آن هم مطلب درستی است و هر دو تفسیر شواهدی در خود خطبه و روایات دارد، این تفسیر علامه شوشتری در شرح نهج‌البلاغه است. قدم اول ارتباط با خدا شناخت ابتدایی است، بعد می‌گوید تصدیق یعنی اغراق به زبان، یعنی این شناخت را به زبان جاری بکنیم، این خیلی مهم است که انسان به چیزی که اعتقاد دارد در زبان هم اجرا بکند، اخلاص و توحید در عبادت یعنی اینکه انسان عملش را برای خدا قرار بدهد، عبادت‌های خود را از روی ریا و تظاهر انجام ندهد بلکه نماز، روزه و اعمال نیک خود را فقط برای رضای خدا انجام بدهد، و گام پنجم همان نفی سپاس از خدا و نفی ترکیب از خدا است.

ما برای اینکه نفسمان را اصلاح بکنیم، برای اینکه اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی را اصلاح بکنیم باید توحید و معرفت خدا را در این درجات سیر و سلوک بکنیم و به معرفت خودمان نسبت به اوصاف و کمالات خدا بیافزاییم.

## خطبه دوم

أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم **نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ**[[4]](#footnote-4) **و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و نبیّنا العبد المؤید و الرّسول المسدّد المصطفی الأمجد أبی القاسم محمّد (ص)، و علی** **امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب و علی الصّدیقة الطاهره فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)** **حُجَجِکَ علی عِبادِک وَ اُمَنائِکَ فی بِلادِک**[[5]](#footnote-5) **وَ** **ساسَةَ الْعِبادِ وَ اَرْکانَ الْبِلادِ وَ اَبْوابَ الاْیمانِ وَ اُمَناَّءَ الرَّحْمنِ وَ سُلالَةَ النَّبِیّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ وَ** **عِتْرَةَ خِیَرَةِ ربّ العالمین**[[6]](#footnote-6) **صلواتک علیهم أجمعین** أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[7]](#footnote-7) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## یاد شهدای هفتم تیر

هفتم تیر یادآور شهادت جمع کثیری از یاران امام راحل و چهره‌های بزرگ علمی، دینی و اخلاقی و سیاسی کشور ما بود و به‌خصوص مرحوم آیت‌الله شهید بهشتی که هم در زمان خودش طعم مظلومیت در راه خدا را چشید و هم در راه خداوند طعم شهادت را با همه وجود چشید. امید است که خداوند توفیق تداوم راه آن‌ها را به ما عنایت بفرماید.

## آسیب‌شناسی در یک جامعه

رشد و ارتقاء یک ملت و جامعه به این است که همیشه از خودش آسیب‌شناسی بکند، جامعه‌ای می‌تواند راه ترقی را طی بکند که آسیب‌شناسی اجتماعی داشته باشد، جامعه و مردم باید دائماً هوشیار و بیدار باشند و خطرها را احساس بکنند و آسیب‌ها و آفت‌هایی که ممکن است آن‌ها را از پا درآورد را شناسایی بکند، جامعه‌ای زنده است که در برابر این آفت‌ها و خطرها از خود عکس‌العمل نشان بدهد، هم درصدد شناخت آن‌ها برآید و هم به اندیشه معالجه و حل آن‌ها باشد.

همان‌طور که جسم یک فرد زنده وقتی سالم باقی می‌ماند که علائم خطر را احساس بکند و در برابر آن عکس‌العمل مناسب نشان بدهد، دقیقاً جامعه هم در ابعاد وسیع‌تر گاهی سالم است و گاهی مریضی دارد، اگر ما یک روزی با جامعه‌ای مواجه شدیم که در برابر آسیب‌ها و آفت‌ها حالت سستی و خمودی دارد، قطعاً این جامعه مسیر تنزل و سقوط خودش را طی خواهد کرد و در مقابل هرگاه جامعه بیدار و هوشیار باشد، خانواده‌های آگاه و روشنی داشته باشد، نسل جوان آن جامعه آگاه و هوشمند باشد، ممکن است دچار خطر و آفت مخربی بشود اما به دلیل زنده‌بودن و هوشیاری می‌تواند خطرها را از خود دور بکند و عظمت، عزت و استقلال و سلامت اجتماعی و فرهنگی خود را به خودش برگرداند.

اگر یک روزی احساس کردیم که جامعه و نسل جوان ما در حالت سستی و رکود قرار گرفتند، احساس شد که در فرهنگ جامعه حساسیت لازم در برابر خطرها و آفت‌ها وجود ندارد آن روز اولین روز سقوط ما و انحطاط یک جامعه است.

## انواع آسیب‌ها و خطرها در جامعه

برای یک جامعه انواع آفت‌ها و آسیب‌ها تصور می‌شود، یک آسیب این است که یک جامعه و یک ملت در قبال ارزش‌ها و پایه‌ها ثبات و عزت خودش حالت رکود و خمودی پیدا بکند، آسیب دیگری که می‌تواند یک جامعه را دچار سقوط بکند این است که در آن جامعه احساس همبستگی و ارتباط سالم وجود نداشته باشد، اگر جامعه یک روزی دچار اختلافات و پراکندگی فکری و فرهنگی شد که طبقات، قشرها و جناح‌ها به‌طورکلی ازهم‌گسسته شدند آن جامعه در معرض خطر بزرگی قرارگرفته است که اگر خود را معالجه نکند به سمت سقوط می‌رود.

اینکه جامعه‌ای در تحقق ارزش‌های والای فرهنگی و اجتماعی خودش در مسیر افراط‌وتفریط قرار بگیرد و از یک برنامه سنجیده و منسجم برای حفظ ارزش‌های متعالی خودش برخوردار نباشد آسیب دیگری است که می‌تواند جامعه را تهدید بکند. خطر دیگر در جامعه خطرهای اقتصادی و معیشتی است، اگر جامعه دچار مشکلات حاد معیشتی بشود، روحیه کار و تلاش و جدیت و برنامه‌ریزی برای پیشرفت جامعه وجود نداشته باشد آسیب و خطر دیگری است.

یکی دیگر از آسیب‌ها و خطرها مفاسد اجتماعی است، انواع و اقسام فسادها و انحراف‌های اخلاقی در ارکان جامعه و به‌خصوص در نسل جوان نفوذ و رسوخ پیدا بکند خطر بزرگی است که اگر در برابر آن هوشیار نباشیم ما را از پای در می‌آورد.

## اعتیاد، یکی از مهم‌ترین آفت‌های جامعه

یکی از آفت‌های مهم و یکی از مفاسد بسیار خانمان‌سوز جوامع بشری مسئله اعتیاد است، امروزه بسیاری از کشورها مواجه با این مشکل عظیم و بسیار مهم اجتماعی هستند، ارقام و آماری که در دنیا منتشر می‌شود میلیون‌ها انسان را نشان می‌دهد که مبتلا به این بلای خانمان‌سوز هستند، این بلا وقتی شدیدتر می‌شود که به سمت قشر جوان و نسل نو و جدید بیاید، یعنی دقیقاً نیروهای فکری، علمی و کاری جامعه مبتلا به اعتیاد و مواد مخدر بشوند، اعتیاد مسئله‌ای است جهانی که میلیون‌ها انسان را با خودش درگیر کرده است و در دنیا برای مبارزه با آن هزینه‌های زیادی می‌شود.

کشور ایران هم کم‌وبیش با این مشکل بسیار مهم مواجه است و متأسفانه گاهی ابعاد آن‌چنان توسعه پیدا می‌کند که نسل جوان را هم می‌گیرد.

## آثار مخرب مواد مخدر در کشور

متأسفانه ده‌ها هزار زندانی در ایران وجود دارد که به خاطر قاچاق و مواد مخدر و اعتیاد در زندان به سر می‌برند، زندانی شدن یک فرد به خاطر انحراف و افتادن در دام قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از یک طرف هزینه زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند و از طرف دیگر هزینه‌های بسیار مهم فرهنگی را برای خانواده به ارمغان می‌آورد، یک فرد که از یک خانواده زندانی بشود آن استرس‌ها و فشارهایی که در خانواده ایجاد می‌شود، بی‌سرپرستی که بچه‌ها پیدا می‌کنند.

رقمی هم وجود دارد از افرادی که قابل اصلاح نبودند و به خاطر توسعه و رواج بخشیدن به مواد مخدر اعدام شدند، اعدام هم مسائل زیادی را برای کشور به ارمغان می‌آورد، خانواده‌هایی را بی‌سرپرست می‌کند، مشکلات اخلاقی و روحی زیادی را در جامعه ایجاد می‌کند، هزینه زیادی که امروز نیروی انتظامی ما برای مبارزه با مواد مخدر می‌پردازد هزینه‌های بالایی است.

اینکه ما به خاطر قاچاق مواد مخدر زندانی و اعدام بکنیم کار بسیار سختی است و هزینه‌های بسیار زیاد اقتصادی و اجتماعی دارد.

## عوامل ابتلای به مواد مخدر

علل و عواملی که موجب ابتلا به مواد مخدر می‌شود علاوه بر اینکه ما در خط مقدم مناطقی هستیم که مواد مخدر در آنجا کاشت و برداشت می‌شود آن مشکلاتی است که در درون خود ما وجود دارد، اینکه ایمان و اراده ما ضعیف می‌شود، ضعف ایمان و اراده اجتماعی و وجود بیکاری و ناامیدی که در نسل جوان است نکاتی است که موجب رواج مواد مخدر می‌شود اما عمده‌ترین عامل این است که ما از نظر اخلاقی و معنوی قوی نباشیم.

قطعاً خانواده‌هایی که پایه‌های اخلاقی و مبانی فکری‌شان از استحکام برخوردار باشد و دین و معنویت و اخلاق در آن‌ها رواج داشته باشد از ابتلای به مواد مخدر خیلی مصون‌تر هستند اما درعین‌حال هیچ خانواده‌ای مصون از این مشکل مهم اجتماعی نیست.

## وظایف ما در برابر آسیب اعتیاد

مواد مخدر و مفاسد چیزی نیست که بتوان گفت به‌طورکلی از یک جامعه برچیده شود، تلاش ما باید این باشد که این مشکل را کنترل بکنیم، این بلا و آفت را مهار بکنیم و به حداقل در جامعه برسانیم، مسئولین ما در طول سال‌های بعد از جنگ تلاش‌های زیادی کرده‌اند، هزینه‌های زیادی را مصروف داشته‌اند، نیروی انتظامی ما شهدای زیادی را در مرزهای کشور برای مبارزه با مواد مخدر تقدیم کرد اما درعین‌حال موفقیت‌های خیلی بالایی هم نداشتیم.

امروز مسئولین ما به این نقطه رسیده‌اند که برای مبارزه با مفاسد فرهنگی و اجتماعی از جمله مواد مخدر باید در درون خانواده‌ها و جامعه فرهنگ پربار و مستحکمی را ایجاد بکنیم تا فرزندان و افراد جامعه به سمت مواد مخدر نروند، این مهم‌ترین چیزی است که تحقیقات امروز به آن رسیده است، یعنی صرف هزینه کردن برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر که لازم است و باید باشد باید جلوی تقاضای اجتماعی نسبت به این مواد را گرفت، این مسئولیت خطیری است که بر دوش همه ما است.

البته راهکارهای مقابله با مواد مخدر که در جوامع مختلف مورد ابتلا است امور زیادی است، یکی از آن‌ها این است که برای جلوگیری از قاچاق و مواد مخدر کارهای انتظامی و امنیتی بشود، اما راهکار دوم و بسیار مهم دیگر این است که جامعه را از نظر فرهنگی مصون و بیمه بکنیم، راه سوم این است که قبح ابتلای به مواد مخدر در جامعه ما شکسته نشود، به خانواده‌ها و نسل جوان آگاهی داده شود و شناختشان نسبت به آثار زیان‌باری که این مواد مخدر می‌تواند داشته بشود به آن‌ها داده شود.

هوشیاری خود جوان و آگاهی خود او نسبت به این آسیب‌ها اجتماعی، موقعیت کشورش و آینده‌ای که او باید بسازد امر مهمی است که باید مورد توجه باشد و همین‌طور فراهم کردن زمینه کار، تفریحات سالم و آسایش فکری نسل جوان نکته دیگری است که هم خانواده‌ها در قبال آن مسئولیت دارند و هم دولت و مسئولین و مجموعه نظام باید نسبت به این مسئله حساس باشند.

جوان نیاز به ورزش دارد، نیاز به تفریحات سالم دارد، نیاز به امید به آینده است، اگر این‌ها حل نشود راهکارهای دیگر جواب نهایی را نمی‌دهد، این‌ها باید در کنار هم باشند، همان‌طور که مقام معظم رهبری به نمایندگان مجلس توصیه کردند ما در شرایط خطیر اجتماعی و فرهنگی قرار داریم، درست است که ما اختلافات فکری داریم، جناح‌های گوناگون داریم و همه آن‌ها در محدوده ضوابط شرعی قابل‌قبول است و همه کسانی که در آن چارچوب عمل می‌کنند قابل‌احترام هستند اما اگر امروز از خطرها و آسیب‌هایی که در خانه‌های ما وجود دارد غافل باشیم مطمئناً آینده خوبی نخواهیم داشت.

باید دولت، ملت، مسئولین خود ما و خانواده‌های ما در برابر این زنگ‌های خطر گوش‌های شنوا داشته باشیم، در خواب غفلت فرو نرویم، ارزش‌های اخلاقی و معنوی را فراموش نکنیم و با آگاهی و برنامه‌ریزی درست و صبر و تحمل در برابر سختی‌ها جامعه را اصلاح بکنیم، خطرها را از جلوی جوانان برداریم، نسلی که امروز به دست ما و شما است امانت‌های الهی است، اگر درست عمل نکنیم آینده بسیار پرمخاطره‌ای را مشاهده خواهیم کرد که یکی از آن‌ها مسئله مواد مخدر است.

## نقش خانواده‌ها در برابر آسیب‌های اجتماعی

از همه این‌ها مهم‌تر این است که خانواده‌ها استحکام فرهنگی داشته باشند، پدر و مادر خودشان را در قبال فرزندشان و سرنوشت و آینده آن‌ها مسئول بدانند نه اینکه فقط با زور و تحمیل بخواهند مسئله را حل بکنند، احساس بکنند که فرزند و جوانشان یک نیروی ارزشمند آینده کشور است و من در خانواده در قبال سلامت فکری و مصونیت او از آفت‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله مواد مخدر باید نقش مؤثری ایفا بکنم و شیوه‌های درستی داشته باشم، فرزندم را رها نکنم بدون اینکه از او اطلاع داشته باشم، با روش‌ها و شیوه‌های مناسب او را اصلاح بکنم و به سمت اخلاق و معرفت و دین هدایت بکنم.

تحقیقات نشان می‌دهد که فرزندانی که با مسجد و معنویت سروکار دارند در برابر این آسیب‌های اجتماعی مصون‌تر هستند، ما با آشنایی فرزندانمان با علم، دانش، کار و معنویت و اخلاق باید آن‌ها را از این خطرها دور بداریم، بنابراین توجه خانواده‌ها عامل مهمی است که نباید از آن غفلت کرد.

## روز قوه قضائیه

به مناسبت شهادت مرحوم شهید بهشتی روز قوه قضائیه است، امید است که قوه قضائیه ما و قضات ما و کارمندان دادگستری ما که وظیفه بسیار خطیر قضا را بر دوش دارند یک مروری به وظایف خود بکنند، حل نزاع‌ها و دعاوی مردم، احقاق حقوق عمومی، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع مردم، نظارت بر اجرای درست قوانین، کشف جرم و تعقیب خاطیان و متجاوزان و همین‌طور برنامه‌ریزی برای پیشگیری از جرم از وظایف پنج‌گانه بسیار مهمی است که در اصل 156 قانون اساسی برای قوه قضائیه ذکر شده است و اگر ما قوه قضائیه و قضات سالم و پاک و عالم و آگاه داشته باشیم بسیاری از مشکلات اجتماعی را راحت‌تر می‌توانیم حل بکنیم.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره مبارکه الحشر، آیه 18.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **نهج البلاغه، خطبهٔ اوّل، قسمت دوّم**. [↑](#footnote-ref-3)
4. **نهج البلاغه، خطبه 98..**  [↑](#footnote-ref-4)
5. **. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح** [↑](#footnote-ref-5)
6. **زیارت جامعه کبیره..** [↑](#footnote-ref-6)
7. **سوره مبارکه آل عمران، آیه 102..** [↑](#footnote-ref-7)